

به مناسبت ماه مه ۲۰۱۰ - پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

از ۱۸۸۶ تا کنون سرگذشت جنبش کارگری در سراسر جهان، سرگذشتی دایره وار بوده است. مبارزه برای ۸ ساعت کار در روز در سر آغاز این جنبش و رشد آن تا مرحله سیاسی شدنش و رفتن به پای انقلابات با سپردن اختیار خود به احزاب، همه و همه این حکایت را مستند نموده است.

جنبش کارگری علیرغم همه کوشش‌ها و کوشندگان بسیارش اما متأسفانه تا به امروز از محدوده حقوقی جامعه سرمایه‌داری پا را فراتر نگذاشته است. سیاسی‌ترین رویکرد طبقه کارگر - به جز کمون پاریس و تشکیل شوراهای در مقاطعی کوتاه - از طریق احزاب به منصفه ظهور رسیده است، اگرچه این در پیشگاه تاریخ و جامعه از وجهه‌های بسیار تعرضی و انقلابی برخوردار بوده، اما در واقعیت امر خود یکی از نمونه‌های گردن گذاشتن‌ها به نمایندگان و چشم دوختن به بالا و رهبران احزاب به شیوه‌های مدرن و لاجرم رعایت همان مراتب حقوق بورژوازی بوده است.

به این ترتیب همه واقعبینان نشان از سرکوب و دور تسلسل طبقه کارگر دارند، و سرمایه‌داری علیرغم همه تلاش‌ها و مبارزات جانکاه طبقه کارگر تا کنون، توانسته به اشکال مختلف آن را در محدوده قانونی خود مهار و به کار وادارد.

علاوه بر همه اینها، واقعبینان تلخ امروز در سراسر جهان هم هنوز از جنبش رو به پیش و بالنده‌ای حکایت نمی‌کنند، بویژه آنکه سرمایه‌داری با تعرض‌های بیشمار خود طی دو دهه اخیر، طبقه کارگر را بسیار به عقب‌تر رانده و به شرایط تحمیل شده سرمایه‌داری بازار آزاد قانع نموده و خواب هرگونه آینده‌ای را نیز برایش به امری دست‌نایافتنی مبدل ساخته است.

اگر احزاب به گونه‌ای سیاسی بر طبقه کارگر مهار زدند، در سوی دیگر سندیکاها و تلاش‌های مصرانه سندیکالیست‌ها برای قانع کردن آنان در چارچوب‌های قانونی جامعه سرمایه‌داری، مهار سنگین دیگری را به این طبقه و جنبش آن تحمیل نموده است.

البته این واقعبینان تا جامعه‌ای دیگر چهره و نمای متفاوتی دارد. اگر در جوامع بسیار پیشرفته سرمایه‌داری، درهای یکسویه قانونی سندیکالیسم بر روی کارگران باز و مجاز می‌باشد و از طریق این سندیکاها انواع فشارها و فریب‌قوانین دولتی توجیه و به خورد طبقه کارگر داده شده و می‌شود، در بسیاری از جوامع از جمله در ایران حتا درها و مجاری قانونی نیز بسته می‌باشند.

از دیگر سو اگر در جوامع بسیار پیشرفته سرمایه‌داری، کارگران با توجیهات سندیکالیستی دچار گجی و استیصال و غرق در گرداب فعالیت‌های حقوقی هستند، اما در جوامعی چون ایران همین تلاش‌ها نیز بدلیل محدودیت‌های قانونی، توسط بخشی از فعالان خود جنبش کارگری و احزاب سیاسی تقدیس و برای بسیاری از خود کارگران هم به واقعبینی بسیار جذاب معرفی و تبلیغ می‌شوند.

همه و همه این واقعبینان به ما می‌گویند، که جنبش طبقه کارگر در کل جهان و از جمله در ایران به عنوان جزئی از آن دچار بحران سرگردانی است.

کارگران در ایران حتا برای یک مراسم کارگری و روز شناخته شده خود، بایستی دچار انواع سرکوب‌ها شوند و زندان و شکنجه و اخراج را تحمل نمایند.

آنان در کارخانه‌ها و موسسات کاری‌شان بایستی برای حفظ کار و دریافت دستمزدهایی که ماه‌ها به تعویق افتاده و می‌افتد، دست به انواع تلاش‌ها بزنند، در حالیکه در حالی که در همین زمینه نیز عموماً با توفیق‌چندانی روبرو نمی‌شوند. حقوق قانونی و تصویب شده کارگران در ایران به مبلغ ۳۰۳ هزار تومان حتا از میزانی که به عنوان خط فقر یعنی مبلغی نزدیک به ۱ میلیون تومان در جامعه شناخته شده، بسیار پائین‌تر می‌باشد و بی‌آنکه کارگران بتوانند اقدامی علیه آن بکنند، رسماً توسط قانون حاکم تصویب می‌شود، و چشم انداز هرگونه جنبش و تلاش موفقی تحت شرایط تا کنونی طبقه کارگر بسته می‌باشد. حاکمیت بیش از سه دهه سرمایه‌داری توسط جمهوری اسلامی، خود در عین حال حکایت بیش از سی سال انواع سرکوب

کارگران در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، شهر بابک، مس سرچشمه و کرمان و سنج و سقز و تهران و اهواز و گوشه گوشه محیط‌ها و اعتراضات و مطالبات کارگری بوده است.

به علاوه تشدید اختلافات طبقاتی در ایران خود را به عریانترین شکلی هم اکنون در رابطه مستقیم با تشدید سرکوب و استثمار کودکان و زنان به موازات سرکوب عمومی کارگران نیز متجلی نموده است.

بدین طریق انواع فلاکت‌ها دامنه جنبش کارگری را گرفته و انواع مصیبت‌ها را به تک تک کارگران و خانواده‌های آنان سرایت داده است. گرسنگی، بی سرپناهی، ترس، عدم امکانات بهداشتی و بیمه، و عدم هرگونه اوقات فراغت از جمله مصائبی هستند، که کارگران و خانواده‌های آنان به شدیدترین وجهی با آن دست به گریبان می باشند.

با همه این مشکلات و مصائب، طبقه کارگر در جهان و از جمله در ایران امروزه در وضعیتی صرفاً دفاعی بسر می برد، که تلاش‌های کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای شرکت واحد تهران علیرغم تمامی مقاومت و تداوم آن، خود قله‌های شناخته شده این موقعیت دفاعی هستند. این موقعیت که امروزه در جهان بسیار پیشرفته سرمایه‌داری با بیکار سازی‌های وسیع و یا از طریق بستن قراردادهای کوتاه مدت کار، آگاهانه به عنوان یک حربه به کارگران تحمیل شده، این فرصت را از کارگران گرفته است، تا به اقدام و رویکرد دیگری توجه نمایند. موقعیت کار و قانون در جامعه امروز سرمایه‌داری چنان شرایطی را به کارگران تحمیل نموده است، که آنان خود را تک به تک در مقابل جامعه سرمایه‌داری می بینند و ترس از فلاکت بیکاری، این وضعیت را بیشتر از پیش هم به آنان تحمیل می نماید.

هر چه جهان سرمایه داری تا کنون رشد یافته است، به همان نسبت، فقر و مشکلات را بر دوش طبقه کارگر بار نموده است. هر چه میزان تولید بیشتر و متنوع‌تر گردیده است، به همان نسبت بی بهره‌گی کارگران از آن بیشتر شده است. اگر چه صنعت اکنون از درجه رشد بسیار بالایی برخوردار است، اما بیکاری خواب دهشتناکی است، که سرمایه‌داری همچنان برای کارگران می بیند، و از آن به عنوان یک ابزار بر علیه کارگران، سود مازاد خود را می برد.

وضعیت کار در جهان امروز سرمایه‌داری و نوعیت بیکاری آن، نشان از نه تنها بلعیدن ارزش اضافه، که بلعیدن کل هستی انسانی و طبیعت است. این شرایط خود استراتژی و تاکتیک طبقه کارگر را در پیش رو می گذارد و می طلبد، که کارگران علیه کل نظام سرمایه‌داری دست در دست هم بگذارند.

از این رو امروزه ماه مه باید، روز اعتراض وسیع جهان کارگری علیه جهان سرمایه و کار مزدی شود.

ماه مه بدون چنین اعتراضی و بالعکس با چنین سردرگمی و پراکندگی رایجی تنها یادآور تکرار فلاکت طبقه کارگر و ریشخند ما تحت حاکمیت همچنان قدرتمند سرمایه‌داری است. این شرایط تا زمانی که سرانجام طبقه کارگر به همفکری، همدستی و اتحاد وسیعاً طبقاتی خود فکر نکند، پا بر جا خواهد ماند.

بنابر این باید در مقابل این وضعیت قدم علم نمود، باید ترس و قانون را کنار زد، و فریب جامعه حقوقی را شناخت، و شناساند و افشا نمود. طبقه کارگر راهی ندارد، جز آنکه انواع تلاش‌های خود را جهت واژگون کردن نظم موجود- سرمایه‌داری- بکار گیرد. و برای تحقق بخشیدن به این وضعیت چاره‌ای نیست، جز اینکه به جمع آوری تمامی نیروی خود در جامعه بپردازیم. طبقه کارگر نیازمند اقدامات شورایی و ایجاد یک تنه واحد در سرتاسر جامعه برای چنین مقابله‌ای می‌باشد.

سرنگون باد جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران

برقرار باد سوسیالیسم

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

کمیته فعالین کارگری- سوسیالیستی(فرانکفورت) و جمعی از چپ‌های شهر کلن